

اصول محاکمات حقوقی

ابتدائی واقع باشند رفع اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل میآید و اگر در حوزه های محاکم ابتدائی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف راجع به محکمه ابتدائی است که دعوائی مختلف فیه بدو در حوزه آن اقامه شود و هر گاه دعوائی مختلف فیه در يك تاريخ در حوزه های مختلفه محاکم ابتدائی اقامه شده باشد رفع اختلاف با محکمه استیناف است بموجب لایحه جدید هر گاه اختلاف بین دو محکمه صالحه باشد و هر دو صالحه در هر حوزه يك محکمه ابتدائی باشند حل اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل میآید اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه ابتدائی نبرده ولی در حوزه يك محکمه استیناف باشند حل اختلاف بهمان محکمه استیناف رجوع میشود و اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه استیناف نباشند حل اختلاف با دیوان تمیز خواهد بود چنانچه ملاحظه میشود صلاحیت محکمه بالا تری که طرفین اختلاف در حوزه آن واقع شده در لایحه جدید بهتر از اصول محاکمات حقوقی مراعات شده است .

حل اختلاف بین صالحه و محکمه ابتدائی

رفع این اختلاف با محکمه استینافی است که این دو محکمه در حوزه آن واقعند و هر گاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافی مختلفی واقع باشند رفع اختلاف بهمه آن محکمه استیناف است که دعوائی مختلف فیه بدو در حوزه آن اقامه شده است و هر گاه دعوائی مختلف فیه در يك تاريخ در حوزه های مختلف محکمه استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز است ، در لایحه جدید مقرر داشته که اگر طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه استیناف باشند بطور کلی حل اختلاف با دیوان

بس رجوع به محکمه بالاتر فقط در موردی است که اختلاف بیان فوق تحقق پیدا نموده باشد در فرانسه بمحض اینکه قضیه واحد در دو محکمه طرح شد با صاحب دعوی اختیار میدهند که بمحکمه بالاتر برای رفع اختلاف رجوع کنند بنا براین در فرانسه علاوه بر اینکه رجوع بمحکمه بالاتر برای حل اختلاف بعمل میآید ممکن است برای عدم وقوع اختلاف نیز قبل از صدور قرار اقدام کرد از این بیان این طور نتیجه گرفته میشود که در دو مورد ذیل رجوع به محکمه بالاتر ممکن نیست .

۱- دعوی واحد در دو محکمه طرح گردیده ولی هنوز قراری راجع بصلاحیت صادر نشده است .
۲- دعوا در دو محکمه طرح گردیده و قرار فقط از طرف يك محکمه صادر شده است .

بعلاوه اگر دو قرار صلاحیت راجع به موضوع واحدی از دو محکمه صادر گردید و محکمه رافع اختلاف برای رفع اختلاف اقدام کرد از طرف دیگر یکی از دو قرار مزبور در محکمه استیناف استینافاً رسیدگی شد فسخ گردید یا از بین رفتن قرار مزبور اختلافی در بین نبوده و موردی برای ادامه رسیدگی محکمه رافع اختلاف نمی ماند .

مطابق قاعده باید حل اختلاف بر سینه محکمه بالا تری که آن دو محکمه پائین تر تحت نظارت آن هستند بعمل آید این قسمت در لایحه جدید تأمین گردیده ولی در قانون اصول محاکمات فعلی چنانچه خواهیم دید این نکته کاملاً مراعات نشده است .

حل اختلاف بین محاکم صالحه

اگر اختلاف در صلاحیت ما بین محاکم صالحه حاصل شود هر گاه طرفین اختلاف در حوزه يك محکمه

تمیز خواهد بود .

اختلاف بین محاکم ابتدائی

اگر اختلاف بین دو محکمه ابتدائی باشد حل اختلاف با محکمه استینافی است که آن دو محکمه در حوزه آن واقعند و اگر در حوزه یک محکمه استینافی نباشند حل اختلاف با دیوان تمیز است .

رفع اختلاف بین دو محکمه استینافی و یا محکمه ابتدائی و استینافی با دیوان تمیز است .

اختلاف بین دادگاه ابتدائی و ادارات دولتی

هرگاه اختلافی بین دادگاه ابتدائی و اداره دولتی واقع شود حل مسئله بدادگاه استینافی راجع میگردد و در استینافی مجلس مخصوصی در تحت ریاست رئیس اول آن دادگاه مرکب از فرماندار محل و سه نفر عضو آن دادگاه و دو نفر از رؤسای ادارات محلی بحکم اقدمیت تشکیل و با حضور رئیس اداره که طرف اختلاف است بموجب اختلاف رسیدگی میشود و حکمی که از مجلس مذکور با کثرت پس از عقیده مدعی العموم صادر میشود قطعی است .

اختلاف در صلاحیت بین استینافی و ادارات دولتی

در این مورد حل مسئله بدیوان تمیز رجوع میشود و دیوان تمیز مرکب خواهد بود از پنج نفر اعضاء حقوقی دیوان تمیز و پنج نفر از اعضاء شورای دولتی در تحت ریاست اول دیوان مزبور چون تاکنون شورای دولتی تشکیل نشده حل اختلاف با خود دیوان تمیز میباشد .

مرجع حل اختلاف بین محاکم عدلیه و

دیوان محاکمات مالیه

مرجع حل اختلاف بین محاکم عدلیه و دیوان

محاکمات مالیه بموجب قانون مصوب پنجم بهمن ۱۳۱۲ دیوان عالی تمیز است .

تشکیل دادگاه مختلط برای رسیدگی به اختلاف از اینجهت است که طرفین اختلاف مربوط بقوه واحدی نبوده یکی جزء قوه قضائیه بحساب رفته و دیگری داخل در قوه اجرائیه است بنا براین محکمه رافع اختلاف باید از هر دو قوه ترکیب شده باشد و اگر بخواهیم حل اختلاف را باعضاء یکی از این دو قوه واگذار کنیم لازم میاید یکی از آن دو قوه در وظایف مربوطه بدیگری تجاوز نموده باشد - لایحه جدید اصول محاکمات این نکته را مراعات نکرده و بطور کای حل اختلاف بین دادگاه های عدلیه و مراجع غیر عدلیه را بدیوان عالی تمیز واگذار نموده و دیوان عالی تمیز فقط از رؤسا و مستشاران دیوان تمیز مرکب بوده و اعضاء مربوط بقوه مجریه برای تشکیل آن شرکت نمی نمایند شاید این رویه لایحه جدید از اینجهت است که موضوع اختلاف خود دعوائی محسوب گردیده و مثل هر دعوائی میبایستی در حدود صلاحیت قوه قضائیه باشد - در مورد اختلاف در صلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه چنانچه دیدیم همین ترتیب رعایت گردیده است .

رسیدگی باختلاف در صلاحیت

هریک از متداعیین که حل اختلاف را بخواهند باید تقاضانامه خود را بدادگاه مرجع اختلاف بدهند مرجع حل اختلاف قبل از هر اقدام باید به اینند که آیا اختلاف در صلاحیت بطوریکه قبلا مذکور گردیده تحقق پیدا نموده یا خیر در صورت تحقق دادگاه صلاحیت دار را تعیین خواهد نمود در هر حال بموجب رویه دیوان عالی تمیز در مورد طرح یک دعوی در دو شعبه یک دادگاه اختلاف در صلاحیت محقق نمیگردد .